



چیستی یا چگونگی شکل‌گیری فهم؛ نقطه افتراق هرمنوتیک فلسفی و تفسیر اسلامی

در حوزه هرمنوتیک متأخر غرب، مسئله اصلی چیستی فهم، فلسفه فهم یا پرسش از خود فهم است؛ اما در حوزه تفسیر اسلامی (با رویکردی کلامی) این مسئله مفروض بر این گرفته می‌شود که فهم از متون مقدس امکان‌پذیر است و مسئله اصلی در این است که این فهم چگونه باید شکل بگیرد.

در حوزه هرمنوتیک متأخر غرب، مسئله اصلی چیستی فهم، فلسفه فهم یا پرسش از خود فهم است؛ اما در حوزه تفسیر اسلامی (با رویکردی کلامی) این مسئله مفروض بر این گرفته می‌شود که فهم از متون مقدس امکان‌پذیر است و مسئله اصلی در این است که این فهم چگونه باید شکل بگیرد.

قاسم پورحسن، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان نکاتی در باب دانش هرمنوتیک، انواع مختلف دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود در این دانش، سرچشمه‌های نخستین هرمنوتیک در دنیای غرب و حوزه اسلامی و تبیین برخی از مباحث پذیرفته شده هرمنوتیک در اندیشه عالمان اسلام (مانند عینی‌گرایی، قصدیت، ...) پرداخت.

وی در بخشی از سخنان خود گفت: متأسفانه نحوه ورود هرمنوتیک به جامعه ما به‌گونه‌ای بود که عمدتاً دیدگاه دوم (یعنی دیدگاه ناظر به دیالوگ میان افق مفسر و افق متن که منجر به پلورالیسم مؤول می‌شود) - که به‌ویژه بعد از گادامر شدت گرفته است - وارد شده و از دیدگاه نخست (قصدیت) غفلت شده است؛ فلذا عمده کسانی که در حوزه هرمنوتیک فکر کرده و نوشته‌اند، تصور می‌کردند که هرمنوتیک، همان هرمنوتیک گادامر و ریکور است؛ در حالی که این تنها یک رویکرد از دیدگاه‌ها درباره هرمنوتیک بود.

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی بیان کرد: به همین خاطر پلورالیسم مؤول - به معنای تأویل‌ها و خوانش‌های بسیار که در یک معنای واحد جمع شوند - از آن گادامر است و بسیاری از متفکران مانند هرش و شلایرماخر و دیگران که در درون نظریه «#قصدیت» هستند، با این امر مخالفند.

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: نکته دیگر آن است که در حوزه مغرب زمین ما یک رویکرد فلسفی و یک رویکرد کلامی به بحث فهم داریم. آنچه را که در دوره جدید - از هایدگر به بعد - شکل گرفته است، رویکرد فلسفی (و نه رویکرد کلامی یا روانشناختی) به مسئله فهم است؛ اما در تفسیر حوزه اسلامی، لزوماً مسئله رویکرد فلسفی به فهم اساس قرار گرفته نمی‌شود.

در تفسیر حوزه اسلامی، نه از چیستی فهم، بلکه از چگونگی شکل‌گیری آن سخن می‌گوییم که مفسر بر اساس کدام اقتضائات، پرسش‌ها یا آگاهی‌ها باید به سراغ متن برود و هر تفسیری (برای نمونه تفسیر منجر به عدول از ظاهر) را انجام ندهد رئیس گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خاطرنشان کرد: این مطلب بدان معناست که در تفسیر حوزه اسلامی، نه از چیستی فهم، بلکه از چگونگی شکل‌گیری آن سخن می‌گوییم که مفسر بر اساس کدام اقتضائات، پرسش‌ها یا آگاهی‌ها باید به سراغ متن برود و هر تفسیری (برای نمونه تفسیر منجر به عدول از ظاهر) را انجام ندهد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تصریح کرد: به عنوان مثال صدرالتألهین در «#اسرار الآیات» نسبت به تفسیر ابن عربی نقد وارد می‌کند که: «#ان انت خیر بانّ هذا التفسیر خروج من الالفاظ...؛ چنین تفسیری خروج از الفاظ بوده و از ظاهر لفظ کاملاً خارج شده است»؛ این نقد نشانگر دیدگاهی است که در سنت اسلامی در باب تفسیر وجود دارد.

وی با بیان این‌که در حوزه مغرب زمین مسئله فهم به شکل متفاوتی از حوزه اسلامی شکل گرفت، عنوان کرد: در حوزه هرمنوتیک در دنیای غرب، مسئله اصلی چیستی فهم، فلسفه فهم یا پرسش از خود فهم بود که در آنجا دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته بود؛ اما در حوزه اسلامی این مسئله مفروض بر این گرفته می‌شود که فهم از متون مقدس امکان‌پذیر است و مسئله اصلی در این است که این فهم چگونه باید شکل بگیرد.

رئیس گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اضافه کرد: بنابراین این تلقی که ما باید مسئله‌ای را که در دوره متأخر در هرمنوتیک غرب شایع بود و شکل گرفته، در حوزه تفسیر و فهم و تأویل آیات تسری دهیم، منجر به مواجهه با دشواری‌هایی خواهد شد؛ از همین رو حقیقت آن است که رویکرد غالب در حوزه تفسیری ما رویکرد کلامی است.

وی ادامه داد: از همین روست که علامه طباطبائی با آن‌که فیلسوف است، اما دیدگاه‌های کلامی خود را در تفسیر آیات قرآن دخالت نمی‌دهد، در حالی که اگر یک مفسر در حوزه هرمنوتیک غرب در چنین جایگاهی باشد، حتماً این امر را دخالت می‌دهد؛ بنابراین این

تفاوت جدی ساحت تفسیر در حوزه اسلامی نسبت به هرمنوتیک در غرب است و این خلط سبب دشواری‌هایی شده است.